

یادداشت



## جای خالی قوانین راهگشا

سیده فاطمه مقیمی

عضو هیات رئیسه سازمان ملی کار آفرینی

یکی از موضوعات کمک کننده و راهگشا در تمام حوزه‌ها دسترسی به آماری دقیق و قابل استناد است. طبیعتاً در حوزه کار آفرینی هم برای بررسی وضعیت عملکرد سالیان گذشته و چشم انداز آینده نیاز به چنین آماری وجود دارد. اما رصد آمارهای موجود و تطبیق آن با آنچه در فضای واقعی کار حاکم است این تصور را تقویت می کند که در موارد متعدد میان آمارهای ما با واقعیت اختلافاتی وجود دارد. بر همین اساس در شرایطی که برخی آمارهای داخلی از رشد و توسعه کار آفرینی در کشور حکایت دارد، در گزارش های بانک جهانی که طی سال های گذشته منتشر شد شاهد بودیم که به طور مثال در یک دوره ایران جایگاه ۱۱۸ را کسب کرده و در سال بعد همچنان تنزل کرده و از میان ۱۸۰ کشور به رتبه ۱۳۲ در زمینه رشد اقتصادی و توسعه کسب و کارها رسیده است. این بررسی ها تا سال ۲۰۲۳ بوده و احتمالاً اگر قرار بود برای سال های بعدی نیز مطالعه شود این جایگاه پایین تر هم می آمد. بنابراین در استناد به آمارها لازم است دقت بسیاری صورت گیرد. در این زمینه آمارهای سازمان دیدمیان کار آفرینی که سازمانی جهانی است از دقت بالایی برخوردار است. البته در ایران هم بررسی هایی که در سازمان ملی کار آفرینی داشته ایم حاکی از این است که بعضاً در زمینه شاخص های بین المللی کار آفرینی روند رو به رشدی نداریم و برای توسعه بیشتر کار آفرینی با توسعه نوآوری و خلاقیت نیازمند حمایت های قانونی و توجه دولت ها هستیم.

یک تصور اشتباه که وجود دارد آنکه حمایت دولتی و قانونی برای توسعه کار آفرینی الزاماً به معنای حمایت های مالی محسوب می شود، در حالی که اگر تفکر درست کار آفرینی مورد حمایت قرار گیرد بسیاری از مشکلات این بخش مرتفع خواهد شد. به طور مثال ما شاهدیم که در تعیین مالیات چالش های بسیاری برای شرکت های ایجاد می شود و در موارد متعدد فرم های خوداظهاری آن ها مورد بی توجهی قرار گرفته و به آن اعتماد نمی شود. مثال دیگر قوانینی است که با روح کسب و کارهای نوین همخوانی ندارد. اکنون ما شاهدیم که طبق برخی مقرراتی که از قدیم الایام وجود داشته گفته می شود صاحب یک کسب و کار باید مثلاً دفتر کاری در متراژ خاص داشته باشد، در حالی که ممکن است با توجه به الکترونیک شدن کسب و کارها، آن فرد فعالیت خود را حتی در منزل و با کمک اینترنت دنبال کند. بنابراین نمی توان گفت برای حمایت از کار آفرینی تنها نیازمند حمایت های مادی و مالی هستیم بلکه در بسیاری موارد حتی اگر قوانین و مقررات دست و پا گیر حذف شده یا تغییر کنند، سنگی بزرگ از پیش پای فعالان این حوزه برداشته می شود.

البته این نکته به معنای نفی تأثیر گذاری حمایت های مادی نیست، اما حتی در مورد تسهیلات مالی نیز گاه چهارچوب ها چنان سخت و محکم است که یک شرکت برای دریافت وام بانکی ملزم به ارائه ضمانت هایی بسیار سنگین و دشوار می شود، به گونه ای که از پس تأمین ضمانت بر نیامده و مجبور می شود عطای آن را به لقایش ببخشد. از سوی دیگر اگر قرار است در این حوزه حمایت مالی صورت گیرد باید شرکت ها و افراد شناسایی شوند و این رقم به کسانی اختصاص یابد که در این فضا مشغول بوده و فعالیت خود را به درستی انجام می دهند.

بحث نیاز به آموزش نکته با اهمیت دیگر است. اگرچه در این حیطه کتاب های بسیاری ترجمه شده اما لازم است این آموزه ها به نوعی بومی سازی شوند. آموزش در اصل کلید دروازه کار است و اگر نباشد شرکت ها باید بازمون و خطا فعالیت خود را دنبال کنند. این در حالی است که در این محدوده الگوهای بسیار موفقی در سطح دنیا وجود داشته و تجربیات درخشانی ثبت شده که تنها باید بومی سازی شوند.

گزارش

مختاب نقره فام

روزنامه نگار

امروز دیگر الزاماً برای کار نیاز به مدرک دانشگاهی نیست و شاید بتوان گفت ایده های نو و خلاقانه هستند که می توانند تحول ایجاد کنند. بدین ترتیب طی این سال ها جوانانی که در بسیاری موارد سن آن ها از دهه سوم زندگی هم تجاوز نمی کند، کسب و کارهایی ایجاد کرده اند که در اقتصاد کشور جایگاهی ویژه برای خود داشته و حتی مدل زندگی مردم را متحول کرده اند. نمونه بارز این کسب و کارها نیز استارت آپ های متنوعی هستند که در این سال ها روی کار آمده و طوری پا گرفتند که اکنون حتی شاید بتوان زندگی بدون آن ها را تصور کرد. طبق برخی تعاریف ارائه شده، کار آفرینی به معنای درک بهتر و استفاده بهینه از فرصت ها و انتخاب های گوناگون است. چنانچه فردی قادر باشد فرصت ها را شناسایی و آن ها را درک کند و بهره وری خود را از این فرصت ها افزایش دهد، می تواند به یک کار آفرین تبدیل شود. به زبان ساده تر شاید بتوان گفت زندگی شغلی کار آفرینانه را افرادی انتخاب می کنند که دوست دارند از دیگران موفق تر باشند. افرادی که نه از رئیس داشتن خوششان می آید و نه از ریاست کردن بر دیگران. در دهه ۹۰ شمسی در مقاطع مختلف ایران از نظر جایگاه جهانی خود در زمینه کار آفرینی رشدی قابل توجه در حد ۲۰ رتبه و ۱۴ پله را تجربه کرد. این ارتقا به خوبی گویای آن است که در این سال ها نسلی جدید از جوانان وارد این عرصه شده و کسب و کارهای تأثیر گذاری را بنیان نهاده اند. با این وجود همچنان معضلات متعددی پیش روی فضای کار آفرینانه وجود دارد و کار آفرینان با چالش های مختلفی مواجه هستند.

### آموزش؛ حلقه مفقوده کار آفرینی

شاید عمده ترین مشکلی که کار آفرینان با آن روبه رو هستند و می تواند کار آن ها را با شکست مواجه کند بحث آموزش باشد. آموزش به دو صورت آکادمیک یا رسمی و عملی تقسیم می شود و متأسفانه نظام آموزشی کشور هم سو با نیاز بازار و جامعه در سطح کلان نیست، یعنی در موارد متعدد دانش و تخصصی که فرد دارد با مباحث روز همخوانی نداشته و در دانشگاه ها مباحثی تدریس می شود که چندین سال پیش در دنیا مطرح شده است. علاوه بر اینکه آموزش های دانشگاهی در کشور با نیازهای کلان هماهنگ نیست. نبود آموزش عملی نیز در کنار آموزش دانشگاهی به شدت احساس می شود و بیانگر یک ضعف است که نشان می دهد باید در نظام آموزشی کشور اصلاحاتی صورت بگیرد.

گفت و گو

فرانک جوادی

روزنامه نگار

ماهرخ فلاحی یکی از بنیان گذاران انجمن زنان کار آفرین و عضو هیأت مدیره این انجمن در گفت و گو با «آتی‌نو» می گوید: «کار آفرینان همواره روی پای خودشان ایستاده اند. به ویژه زنان کار آفرین که از سال های گذشته تاکنون به پیشرفت های قابل توجهی دست پیدا کردند و با راه اندازی انجمنی خوب، برای دختران جوانی که سرگردان و بلا تکلیف بودند، کار آفرینی مناسبی در استان یا شهر خودشان انجام داده اند. این کار آفرینی به گونه ای بوده که نه تنها با توجه به استعدادها و مهارت های زنان و دختران جوان صورت گرفته، بلکه همه شاغلان رضایت کافی نسبت به شرایط گذشته خود دارند.»

او در پاسخ به سؤالی درباره اینکه جامعه کار آفرینان چه انتظار و درخواستی از متولیان امر دارند؟ تأکید می کند: «در حال حاضر برخی چالش های حقوقی و قانونی در حوزه کار آفرینی وجود دارد که اگر برطرف شود، مسیر هموار تر خواهد شد. در این راه همیشه کاری انجام دادیم که همه افراد متقاضی و کسانی که شغلی پیدا می کنند روی پای خودشان بایستند. به عنوان مثال در زاهدان زنان به معنای واقعی کلمه از نظر اقتصادی در مضیقه و تنگنا هستند و کاری هم برای آن ها وجود ندارد.»

فلاحی با اشاره به اینکه هیچ وقت نباید ناامید شد و دست از تلاش کشید، می گوید: «وقتی به این استان سفر کردیم، با این توانمندی فوق العاده مواجه شدیم که زنان سیستان و

زمانی نه چندان دور خانواده ها تلاش بسیار می کردند تا فرزندان خود را برای ورود به دانشگاه های معتبر آماده کنند. والدین می خواستند به لطف داشتن مدارک معتبر دانشگاهی بچه ها را راهی شرکت ها و ادارات دولتی کرده و به نوعی از آینده کاری فرزندان شان اطمینان حاصل کنند. حالا اما سال ها است که دیگر این استراتژی

# کار آفرینی عرصه ای که حضور در آن ساده نیست

قدیمی کارایی لازم را ندارد و برای ایجاد اشتغال به جوانان توصیه می شود خود را به مهارت هایی مجهز کنند که بتوانند برای خود و حتی گروهی دیگر شغل ایجاد کنند. بر همین اساس در این سال ها واژه هایی مانند کار آفرینی، استارت آپ، کسب و کارهای نوآورانه و مواردی از این دست جای خود را در بازار کار ایران باز کرده اند.

باشد که فرد درگیر تأمین نیازهای اولیه خود نشود. در این صورت احتمال موفقیت کار آفرین بیشتر است.

### جای خالی قوانین بومی شده

باید به خاطر داشت حوزه کار آفرینی ظرفیتی محدود دارد، یعنی اگر فردی قصد تولید کالایی را دارد باید این کالا ویژگی های منحصر به فردی داشته باشد تا خروجی مطلوبی حاصل شود. به طور کلی هر چه تعداد کار آفرینان بیشتر باشد اشتغالزایی بالاتر، آمار بیکاران کمتر و رشد اقتصادی نیز بالاتر می رود. در حال حاضر کار آفرینان برای پیشبرد امور خود چالش های زیادی را تجربه می کنند. این مسئله به این دلیل است که نظام اداری کشور ما نظام امردی نیست. در موارد متعدد قوانین، مقررات، بخشنامه ها و آیین نامه ها به نوعی مانعی پیش پای کار آفرینان محسوب می شوند. بر این مبنا فعالان اقتصادی خواهان اجرای صحیح قانون بهبود فضای کسب و کار هستند. باید توجه داشت در اقتصاد هر کشوری گاهی حالت های فوق العاده پیش می آید. به عنوان نمونه تحریم، خشکسالی و مواردی از این دست حالت های ویژه ای نیازمند اجرای صحیح قانون است تا بتوان از این حالت ویژه عبور کرد. متأسفانه شرایط نظام اداری ما به گونه ای است که یک کارشناس در تهران برای شهر دیگری تصمیم می گیرد. در واقع قوانین در همه جا به صورت یکسان اجرا می شود و متناسب با مناطق مختلف کشور بومی سازی نشده است. از سوی دیگر عدم تجربه بازار عامل دیگری است که می تواند مانع موفقیت کار آفرینی شود، یعنی ممکن است فرد قصد کار آفرینی داشته باشد اما شناخت مناسبی از بازار در اختیار او نباشد. همچنین نداشتن استراتژی از دیگر عوامل شکست کار آفرینی است. فرد باید بازمه های زمانی مختلفی برای خود تعریف کند و طبق آن سیاست کار آفرینی و تفکر خود را دنبال کند. برای مثال فرد قصد رسیدن به سود و افزایش تولید و فروش را دارد اما از استراتژی و گام عملیاتی برای رسیدن به این اهداف برخوردار نیست.

عامل دیگری که می تواند مانع کار آفرینی باشد دوری از خطر و عدم ریسک پذیری افراد است. بوروکراسی پیچیده اداری، عدم توانایی افراد در انجام کار گروهی، نبود ثبات در قیمت مواد اولیه، عدم بر خور داری از ماشین آلات و فناوری های به روز، موزای کاری بعضی ادارات و افزایش میزان صدور پروانه تولید و بهره برداری، تأثیر تورم بر فعالیت های اقتصادی، فقدان بستر مناسب جهت توزیع محصولات و جنس تولید شده، ضعف در شناخت بازار، فرصت های سرمایه گذاری و برخی مهارت ها از دیگر چالش های کسب و کارهای کوچک و متوسط در کشور است.

### بلائی پرسود به نام واسطه گری

از دیگر مواردی که می توان چالش کار آفرینی برشمرد آن است که در سالیان گذشته کسب و کارهای سوداگران به واسطه گری چنان سودآور شده که در بسیاری موارد حتی بر تولید نیز ارجحیت یافته اند. در چنین فضایی واسطه گری نسبت به کار آفرینی سودآور تر است و این امر موجب می شود در عمل کار آفرینان با معضلات متعددی دست و پنجه نرم کنند.

یکی دیگر از چالش های این حوزه که موجب کاهش سوددهی می شود، بازه زمانی شروع کار آفرینی و ورود آن به اقتصاد است. بر اساس یک تئوری در اقتصاد گفته می شود که فرصت سود در بلندمدت وجود ندارد، یعنی ممکن است ورود یک کار آفرین در یک عرصه خاص مفید و سودده باشد اما با ورود تعداد زیادی کار آفرین به این حوزه بازار اشباع می شود و سودی به همراه نخواهد داشت. بنابراین کار آفرینان باید به بازه زمانی ورود به یک کسب و کار دقت کنند.

این در حالی است که فرد کار آفرین باید در کسب و کار خود انتظار کسب در آمد تا بازه کوتاهی نداشته باشد؛ چرا که در اوایل راه اندازی یک کسب و کار بانوسان های مختلفی مواجه خواهد شد. بنابراین باید حداقل میزان معاش وجود داشته

### اقتصاد دولتی و مضرات آن برای کار آفرینی

طبق آمارها حدود ۸۰ درصد اقتصاد کشور در دست بخش دولتی است و این موضوع کار برای کار آفرینان را با مشکلات مضاعفی مواجه می کند. به طوری که نعمت الله رضایی، مدیرعامل صندوق کار آفرینی امید آبان ماه سال گذشته اعلام کرد که طرح های خرد، کوچک و متوسط با وجود سهم ۸۰ درصدی در اشتغال فقط ۴.۵ درصد تسهیلات بانکی را دریافت کرده اند.

به گفته او: «باید پذیرفت که حمایت از طرح های خرد، ضامن پایداری تولید و توسعه، افزایش در آمد و افزایش تاباوری است. طرح های خرد، کوچک و متوسط اهمیت زیادی در اقتصاد کشورهای دنیا دارند و بخش قابل توجهی از اشتغال با تکیه بر این طرح ها محقق می شود. بر این اساس محدودیت دسترسی به منابع تأمین مالی از چالش های پیش روی کسب و کارهای کوچک و متوسط محسوب می شود.» البته در یافت تسهیلات بانکی برای این دسته مشاغل دشواری دیگری نیز دارد و آن چگونگی بازپرداخت به ویژه در سال های اول فعالیت است؛ چرا که یک فعالیت اقتصادی باید آن قدر توجیه داشته باشد که تولید کننده بتواند ۳۰ درصد سود کند تا ۱۸ درصد آن را به بانک ها پرداخت کند.

## یک کار آفرین در گفت و گو با آتی‌نو مطرح کرد

## نیاز به حمایت مضاعف داریم

کشور است که باور دارد: «به دلیل نامناسب بودن شرایط کسب و کار و نارضایتی از وضع موجود، بسیاری از کار آفرینان به فکر مهاجرت افتاده اند و در سال های اخیر حدود ۱۵ نفر از زنان کار آفرین به کشورهای مختلف مهاجرت کرده اند.»

و بودجه لازم است و تا امروز هر کاری انجام داده ایم یا هر طرح و پروژه کار آفرینی را به ثمر رسانده ایم با بودجه خودمان یا سرمایه انجمن بوده است. بنابراین تا حد توان مالی موجود توانستیم به زنان و دختران متقاضی و جویای کار کمک کنیم که البته به هیچ وجه کافی نیست. اگر سرمایه لازم باشد می توان کارهای بهتری انجام داد؛ چون زنان ایرانی در هر رشته و حرفه ای توانمندی بالایی دارند و با هوش بالای خود می توانند کسب و کار خوبی برای کار آفرینان تازه واردانازی کنند و درآمد مناسبی داشته باشند.»

این بانوی کار آفرین با بیان اینکه موفقیت های زیادی در کار آفرینی زنان در سال های گذشته به دست آمده و اگر حمایت شود قطعاً به نتایج بهتری خواهیم رسید، توضیح می دهد: «همه زنان کار آفرین و متقاضیان کار روی پای خودشان ایستاده اند و خوشبختانه تا امروز هم موفق بوده اند.»

او در ادامه به بحران مهاجرت اشاره کرده و درباره مهاجرت کار آفرینان در سال های گذشته بر این باور است: «از آنجا که بعضاً حمایت مناسبی از کار آفرینان صورت نمی گیرد و آن ها فضای کسب و کار مناسبی را پیش روی خود نمی بینند، ممکن است در موارد متعدد به فکر مهاجرت افتاده باشند، به این دلیل که این احتمال وجود دارد که آنجا شرایط بهتری برای شان فراهم شود. این مهاجرت ها نیز غالباً به مقصد کشورهای مانند کانادا، آمریکا و برخی کشورهای اروپایی صورت می گیرد که در آن ها شرایط مساعدتری برای کار آفرینان تعریف شده است.»

پروژه ها و طرح های کار آفرینی خود را پیش ببریم و تعداد بیشتری از زنان متقاضی شغل را تحت پوشش و حمایت قرار دهیم. این در حالی است که هم اکنون با پولی که اعضای این انجمن دارند، به تدریج طرح های خود را به اجرا می رسانیم و هر کدام را بودجه بندی می کنیم. در نهایت جای خالی حمایت جدی نهادها و دستگاه های متولی احساس می شود. بزرگ ترین چالش و مشکل برای کار آفرینان و افراد متقاضی نبود سرمایه است؛ چرا که از یک سو تشکلهایی مانند انجمن زنان کار آفرین با محدودیت بودجه مواجه است و از سوی دیگر متقاضیان و اعضای ما برای راه اندازی کسب و کار خود سرمایه اولیه در اختیار ندارند. بنابراین اگر دستگاه یا نهاد متولی بتواند حمایت مالی درست و کافی در این راه انجام دهد، بسیاری از مشکلات در مسیر کار آفرینی حل خواهد شد. اما هیچ نهادی تاکنون سرمایه اولیه در اختیار آن ها قرار نداده و به نظر می رسد این کار باید انجام شود.»

### تلاش برای اشتغال زنان و دختران بیکار

فلاحی همچنین از مذاکرات صورت گرفته با برخی وزارخانه ها برای جذب منابع مالی و حمایت یاد کرده و ادامه می دهد: «با وجود صحبت های انجام شده تا امروز موفق به دریافت حمایتی نشده ایم. ما با عضویت زنان کار آفرین شرایطی ایجاد کرده ایم که در واقع کار آفرینان هر یک به تنهایی مبلغ و حامی کار آفرینی در کشور می شوند و به دختران جوان جویای کار کمک می کنند تا بتوانند برای خود شغلی دست و پا کنند.»

او می گوید: «البته مشکل اصلی کار آفرینان نبود سرمایه